

محور تعلیم و تعلّم باید بر توحید استوار باشد

مصاحبه: حجت الاسلام و المسلمین سماوات

اشاره:

آیت الله محمد باقر تحریری، سال 1335 در تهران متولد شد. والد مکرّم ایشان، آیت الله شیخ محمود تحریری، از اساتید سطوح عالی فلسفه و عرفان در حوزه علمیه بودند. ایشان پس از اتمام دروس مقدمات در مدرسه آیت الله مجتهدی تهرانی (ره)، در سال 1352 عازم حوزه علمیه قم شد و از انفاس قدسی مرحوم علامه طباطبایی و نیز مرحوم آیت الله سعادتپور (پهلوانی) بهره مند شدند. دروس سطح و خارج را نیز از محضر بزرگانی چون حضرات آیات، فاضل لنکرانی، تبریزی، ستوده، روحانی و دیگر بزرگواران آموختند. ایشان هم اکنون یکی از اساتید سطح عالی فلسفه، تفسیر، اخلاق و عرفان حوزه های علمیه هستند و در عرصه تربیت اسلامی مدتهاست مسئولیت سترگ تربیت نفوس پاک طلاب و دانشجویان را بر عهده دارند. سهم بسزایی از میراث عرفانی مرحوم آیت الله سعادت پرور، قطعاً در ذهن و زبان این استاد حوزه تبلور یافته است. ایشان مدتی است تولیت مدرسه علمیه معیر تهران را بر عهده گرفته اند و از ظرفیت های بالفعل حوزه علمیه تهران در عرصه علم و تربیت اسلامی می باشند.

جنابعالی، نوشتن و دست به قلم شدن را برای طلبان از چه زمانی مناسب میدانید؟

اهلیت (علیهم السلام) به ما فرموده‌اند که علومتان را با کتابت زنجیر و مقید کنید. رسول خدا (ص) فرموده‌اند: قَدْوَا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ. اگر علم بخواهد در وجود انسان قرار بگیرد و رشد کند، نیازمند سه مرحله ورود، بقا و رشد است، چون علم به نفس انسانی تعلق دارد. بنابراین کسی که در وادی علوم دینی قرار میگیرد باید توجهش به این سه مرحله باشد؛ چون کسی که در وادی علم دینی قرار میگیرد، همتاش این است که تا آخر عمر در جهت تحصیل علوم دینی و حفظ و ابلاغ آنها به دیگران بکوشد. این مسئله وظیفه اهل علم است. در علوم دیگر هم این مسئله وجود دارد؛ ولی اهمیت آن در علوم دینی بیشتر است.

کتابت بر دو نوع است کتابتی که در نفس انسانی است و آن به اموری مانند نوشتن، مباحثه کردن و تعلّم وابسته است. و دیگر کتابت معروف است. این نوع کتابت نیز دارای مراتبی است. ابتدا باید درس های اولیه کتابت شوند. البته نباید به همان کتابی که مشغول خواندن است بسنده کند، (خدا رحمت کند حاج آقا مجتهدی (ره) را به ما سرمشق می داد، صرف را مینوشتیم، جامع سعادت و معراج السعاده که مسائل اخلاقی بود و رساله عملیه را نیز می نوشتیم و ایشان هم هفته ای یک بار نوشته های ما را میدیدند). بعد کمکم شروع به خلاصه نویسی کند. خلاصه نویسی در سه یک نوع تحقیق است. به خصوص چون متون اصلی ما عربی است، باید بتوانیم بخوانیم و در ادبیات مسلط شویم و خلاصه نویسی یکی از راههای تسلط است؛ چنانکه یکی از راه های تسلط در ادبیات عرب، مکالمه است که متأسفانه در حوزه های دینی یا اصلاً نیست یا خیلی کم است.

به هر حال طلبه باید در جریان تحقیق قرار گیرد و ابتدا هم اساتید این کار را بکنند؛ یعنی طلبان را به سمتی سوق دهند که مهارت ها و فعالیت های پژوهشی را از همان دروس معمول خودشان شروع کنند. این مستلزم این است که از همان ابتدا تحقیقات مختصر و اجمالی در دروس خود داشته باشند. این تحقیقهای اجمالی ارتباط استاد و شاگرد را تنگاتنگ می کند. استاد باید نظارت بیشتری بر عملکرد طلبه داشته باشد فقط درس نگوید و برود، از تأثیر درس خود بر شاگردان باخبر باشد. این امر ارتباط عاطفی بین استاد و شاگرد را هم تقویت میکند و البته مسئله بسیار مهمی است. دستکم طلبه متوجه میشود که استاد به او اهمیت میدهد. و همین مسئله باعث رشد علمی طلبه میشود. البته از پایه های 5 و 6 به بعد طلبه باید به صورت تخصصی با روش تحقیق آشنا شود. مثلاً کتابهای درسی خود را با کتب دیگر مقایسه کند. مزایای این کار بسیار زیاد است. حوصله اش بیشتر میشود و یکی از راه های کاربردی کردن علوم همین است.

برای تثبیت فضای علمی در حوزه های علمیه چه باید کرد؟

به هر حال اگر بخواهیم فضای علمی در حوزه های علمیه تثبیت و تقویت شود باید با درس های رسمی و غیررسمی به طور محققانه برخورد کرد تا شخص مهارت لازم را به دست آورد. نکته دیگر این است که الان زمانی است که ما نیازهای مختلفی داریم. گاهی نیاز به گونه ای است که لازم است طلبه پایه 5 و 6 با جامعه و جوانها ارتباط داشته باشد؛ لذا باید با شیوه تحقیق که وسیلهای برای ورود به این عرصه است بهدرستی آشنا شود. ابتدا تمرین نوشتن و سپس مطالعه و یادگیری روشهای آن از مقدمات تحقیق و پژوهش است. البته همه این امور باید روشمند باشد. ضمن اینکه لازم است تجربه و مهارت کافی نیز کسب کند تا بتواند کتابی را در یک رشته علمی خاص ارائه دهد. مسئله تضارب آرا و نقد علمی نیز، باید نظاممند شود.

ارتباط میان اهداف حوزه و فعالیت های پژوهشی را چگونه میتوان به درستی برقرار کرد؟

در این جا دو مسئله مطرح میشود اول شاخصه مهم در تحقیق، هدفمندی کار است. طلبه محقق بداند که در هر مرحله ای یک هدف دارد، بدون مقدمه نه بلندپروازی کند و نه احساس ضعف. دوم این است که هر تحقیقی یک روشی دارد، این مسئله مهمی است. تحقیق در ادبیات یک روش دارد، در مسائل اعتقادی، روشی دیگر، در مسائل فقهی هم همینطور. مهم این است که روش تحقیق، مناسب و روشن باشد. با

همه اینها ما باید یک هدف عالی یا اعلی برای طلاب ترسیم کنیم؛ و آن این است که به هر حال تمام فعالیت های تحقیقاتی باید در راستای همان هدفی باشد که برای آن به حوزه آمده ایم.

رعایت صدق و امانت علمی در فعالیتهای پژوهشی، چه میزان ضرورت دارد؟
ما برای این که معارف را یاد بگیریم و بعد آنها را به باور تبدیل کنیم به حوزه آمده ایم. اگر صدق و راستی در تحقیق نباشد، شخص مقهور نفس میشود، فریب نفس را میخورد و چیزی را که نفهمیده است به عنوان مطلبی فهم شده ارائه می دهد؛ این صدق در تحقیق است. همچنین باید متعهد شود که هر مطلبی را از هر جایی نگیرد و اگر استفاده کرد آن را از خودش نداند و بگوید از جایی گرفته است. یعنی باید امانت را حفظ کند. در این جا گاه خودخواهی جلوه میکند. بنابراین توجه به این مسئله بهتدریج از خودخواهیها میکاهد. او باید بگوید من که به این جا رسیده ام و این کتاب را نوشته ام، خودم مستقل نبودم خدا هم بوده است. خدا این را به فکر من انداخته و به هر حال برای خدا میخواهم به آن مقصد اعلا برسم. وقتی این چند مسئله به هم ضمیمه شوند دیگر غرور معنا پیدا نمیکند و همواره تحقیق و تعلیم و تربیت، همراه این شخص هست. این بحث در جشنواره هم مطرح است. زمانی که نمره بندی میکنید (امتیاز میدید) اولاً به آقایان بگویید: این برای تقدیر از یک نوشتار خوب است. ثانیاً این که حوزه، چنین قابلیت دارد و ثالثاً به علم اهمیت میدهد و همه اینها در پرتو التزام به دین است. به هر حال، این مسئله باید در پایه های ابتدایی شکل بگیرد. انشاءالله مورد عنایت امام زمان (عج) و اهلبیت (علیهم السلام) باشیم. نکته مهمتر این است که ما به این موضوع توجه کنیم که معارف دین با زحمت طاقت فرسا به دست ما رسیده است. مرحوم کلینی نزدیک به 20 سال، 8 جلد کتاب "کافی" را نوشت. مرحوم علامه طباطبایی (ره) شب های تابستان و بهار بسیار کم استراحت میکردند. اواخر عمر شریفشان نیز دچار مشکلات جسمی متعددی شده بودند. همه این مشقات باهدف عرضه معارف اسلام تحمّل شده و غرض اصلی هم، همین است. ما بر سر سفره بزرگانیم. آنها این کار را کردند و ما هم با زحماتمان میخواهیم این را به نسل بعد منتقل کنیم. این جنبه تقدس کار را باید مد نظر قرار دهیم، هر چند که کار ما ضعیف باشد. خلاصه این که در گذشته به رشد علم توجه ویژه ای میشده و این امر رابطه تنگاتنگی با اخلاق پیدا کرده است. پس ابتدا باید طلاب را تشجیع کرد و سپس با تربیت همراه ساخت.

برای رفع و پیشگیری آفت غرور علمی چه باید کرد؟
باید به مبدأ هستی و کسی که این توفیقات را ارزانی داشته، دائماً توجه کرد. "علم" از آن خداست و اوست که به ما میآموزد. حفظ حرمت استاد نیز از مسائل بسیار مهم و ضروری است و نکته اساسی اینکه باید محور تعلیم و تعلم بر توحید استوار باشد.

با سپاس از وقتی که در اختیار محفل قرار دادید.